

حروف مقطعه‌ی قرآن

سوره‌هایی که با یک نوع حروف مقطعه آغاز می‌شوند، مطالب مشترکی دارند. برای مثال در سوره‌هایی که با «حم» شروع می‌شوند، بلافاصله بعد از آن جمله‌ی «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ» یا چیزی که به معنای آن نزدیک است، قرار گرفته، در سوره‌هایی که با «الر» شروع می‌شوند، بعد از آن «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ» و یا شبیه آن در سوره‌هایی که با «الم» آغاز می‌شوند، به دنبال آن «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» یا مفهوم آن آمده است. از این جا می‌توان حدس زد که میان حروف مقطعه و محتوای این سوره‌ها ارتباط خاصی وجود دارد؛ تا آن جا که مثلاً سوره‌ی اعراف که با «المص» شروع شده، مضمون و محتوایش جامع میان مضمون سوره‌های «الم» و سوره‌ی «ص» است. البته این ارتباط ممکن است بسیار عمیق و دقیق باشد و افهام عادی به آن راه نیابند.^۲

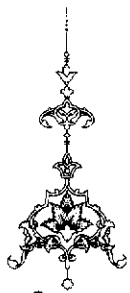
مؤلف کتاب علوم قرآنی، زیربنای اساسی آرا و نظریات دانشمندان اسلامی را به سه دسته تقسیم کرده است:

دسته‌ی اول: حروف مقطعه از تشابهات قرآن هستند که هرگز قابل حل نبوده‌اند، از جمله مجهولات مطلق محسوب می‌شوند و راه علم به آن‌ها کاملاً بر مردم بسته است. ولی اهل کلام این باور را مورد نکوهش قرار داده‌اند و جهل مطلق را به گونه‌ای که حتی پیامبر و دیگر اولیای الهی از آن بی‌خبر باشند، در هیچ کجای قرآن نمی‌پذیرند؛ زیرا چگونه ممکن است در کتابی که با وصف «مبین» آراسته شده، چیزی یافت شود که کاملاً رو پنهان داشته است. خداوند می‌فرماید: **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ**^۳

دسته‌ی دوم: حروف مقطعه رموزی هستند میان خدا و رسول او «ص» که جز اولیای مقرب الهی کسی به آن‌ها راه ندارد. «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۴: جز پاک شدگان به آن دسترسی ندارند.

ارباب دین گفته‌اند: سخن گفتن با رمز و اشاره، شیوه‌ی احباب است که در راه و سر سفره‌ی دوستی به کار برند. حبیب را بر آن آگاه و رفیق را از آن بیگانه می‌دارند: میان عاشق و معشوق رمزی است
باید دانند آن که اشتر می‌چراند

سید رضی الدین بن طاووس متوفای ۶۶۴، از کتاب «حقائق التفسیر»، نوشته‌ی ابو عبد الرحمن محمد بن الحسین سلمی، متوفای ۴۱۲، روایتی از امام جعفر بن محمد صادق «ع» آورده است که فرموده: «الم» رمز و اشارتی است میان خدا و



حبيب او محمد «ص». خواسته تا كسى جز او بر آن آگاه نگردد، آن را به صورت حروف درآورده تا آن رموز را از چشم اغيار دور نگه دارد و تنها بر دوست روشن و ظاهر سازد.

علامه بلاغى گويد: جاي شگفتى نيست كه در قرآن گفت و گوهاى رمزى و اشارت به اسرار خصوصى باشد كه تنها با رسول گرامى «ص» و امنائى وحى انجام گرفته باشد. ابن بابويه ابو جعفر صدوق، متوفى ۳۸۱ گويد: سبب ديگر در فرو فرستادن او ايل برخى سوره ها به حروف مقطعه آن است كه شناخت آن ها ويژه اهل عصمت و طهارت باشد تا به وسيله آن ها دليل اقامه كنند و معجزات به دست آنان ظاهر شود و اگر شناخت آن براى همه ميسر بود، هر آينه بر خلاف حكمت و موجب فساد در تدبير شمرده مى شد.

دسته ي سوم: حروف مقطعه صرفاً حروف مجرد هستند با همان خاصيت آوايى. چيزى جز آن در بر ندارند، نه رمز و اشاره اند و نه معنائى جز خاصيت آوايى دارند و حكمت آوردن اين حروف در او ايل اين سوره ها، از محدوده ي الفاظ و اصوات تجاوز نمى كند.^۵

۱. حروف مقطعه، رمز و اشاره به مدت عمر امت مسلمان

محدث بحراني از محمد بن قيس روايت مى كند كه امام باقر «ع» مى فرمود: حى بن اخطب و ابوياسر بن اخطب وعده اى از يهوديان نجران به محضر پيامبر «ص» رسيدند و سؤال كردند: آيا در ميان آيات نازل، كلمه ي «الم» نيز وجود دارد؟ فرمودند: بلى. سپس گفتند: آيا جبرئيل آن را از نزد خدا آورده: فرمودند: بلى. آن گاه گفتند: در انبيا كسى نبوده است كه مدت حكومتش معين شده باشد، جز حكومت تو كه مدت آن بيان شده.

پس حى بن اخطب متوجه اصحابش شد و اظهار كرد: الف در «الم» يك، «لام» سى، و «ميم» چهل محسوب مى شوند. پس جمعاً ۷۱ سال است و گفت: عجب است از كسى كه در امتى وارد مى شود كه عمر و مدتش ۷۱ سال است (مراد از عمر، عمر امت است). سپس پرسيدند: آيا كلمه ي ديگرى هست؟ فرمودند: بلى. و بانزول حروف ديگرى مانند: الر، المر، المص و... به اين نتيجه رسيدند

كه مدت حكومت پيامبر «ص» طولانى تر است.^۶ طبق عقيدۀ گروهى، اين حروف رمزى است به مدت بقاى امت مسلمان. چنان كه مقاتل بن سليمان از دى گفته است: ما اين حروف را محاسبه نموديم كه با إسقاط مكررات به ۷۴۴ سال رسيد كه رقم بقيه ي مدت اين امت است.

طبرسى مى نويسد: من نيز به محاسبه ي اين حروف پرداختم و به همان رقمى كه على بن فضائل مجاشعى ۶۹۳ به دست آورده بود، رسيدم.^۷ خويبى نيز روايت كرده است كه برخى از پيشوايان دينى از آيه ي «الم غَلِبَتِ الرُّومُ» چنين استخراج كرده بودند كه مسلمين، بيت المقدس را در سال ۵۸۳ ميلادى فتح خواهند كرد و همان گونه كه با اين حروف پيش بينى شده بود، اين واقعه اتفاق افتاد.^۸

۲. حروف مقطعه، رمز و اشاره به اسما و صفات خداوند

مثلاً در مورد «الم» مى گويند: الف اشاره به «أنا» و لام اشاره به «الله» و ميم اشاره به «أَعْلَمُ» هستند كه مجبوراً به جاي «أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ» است. يا «الض» اشاره به «أَنَا اللَّهُ أَعْلَمُ وَأَقْصَلُ» است.^۹

چنان كه از ابن عباس روايت شده كه در «الم»، الف بر «الله» و لام بر اسم «جبرائيل» و ميم بر نام «محمد» دلالت دارند. و همچنين «الر» بر «أَنَا اللَّهُ أَرُي» دلالت دارد.^{۱۰} ابواسحق ثعلبى، روايتى از على بن موسى الرضاع دارد كه فرمود: از امام جعفر صادق «ع» راجع به «الم» سؤال شد. آن حضرت در پاسخ فرمود: الف ناظر به شش صفت از صفات خداوند است:

۱. ابتداء، زيرا خداوند است كه آفرينش همه ي مخلوقات را آغاز كرد؛
۲. استواء، چون خداوند عادل و مستوى و راست است و الف نيز راست بود و ميل و انحرافى در آن وجود ندارد.
۳. انفراد، خداوند فرد و تنها است.
۴. اتصال خلق با خداوند
۵. انقطاع خداوند از غير.
۶. أَلْفَتْ^{۱۱} توضيح ديگر اين كه، برخى در مورد «المص»

گويند: منظور از آن «طور» سيناء و موسى است. سوره ي قرآن كه با اين حروف آغاز شده اند،

موسی علیه السلام در طور سینا آمده است.^{۱۲}

۳. حروف مقطعه، رمزی به اسم اعظم الهی

در صورتی که بتوانیم این حروف جداگانه را به هم پیوندیم، اسم اعظم خداوند از آن‌ها استخراج می‌شود. مثلاً «الر» و «حم» و «ن» به صورت «الرحمن» در می‌آیند؛ همچنین سایر حروف مقطعه‌ی قرآن. در حالی که سعید بن جبیر می‌گوید: ما قادر بر جمع و پیوند حروفی که اسم اعظم از آن‌ها استخراج می‌شود، نیستیم.^{۱۳} سیوطی هم در اتقان می‌نویسد: گفته می‌شود، این حروف اسم اعظم خدا هستند، ولی ما ترکیب آن‌ها را نمی‌دانیم.

۴. حروف مقطعه‌ی قرآن، سوگندهای خداوند به نام‌های خود

هر یک از حروف مقطعه اسامی خداوند هستند. اخفش

گوید: حکمت سوگند خداوند به حروف مقطعه‌ی قرآن این است که حروف مذکور از جهت آن‌که مبانی کتاب آسمانی و نیز مبانی اسمای حسنی و صفات علیای پروردگارد، شرف و فضیلت دارند. گویا به خاطر این امر به این حروف سوگند یاد کرده که قرآن کتاب و کلام اوست.^{۱۴}

۵. حروف مقطعه‌ی قرآن، از تشابهات

آقای سیدابوالفضل میرمحمدی زرنندی، نگارنده‌ی کتاب «تاریخ و علوم قرآن» می‌گوید: هرگاه دلیلی نباشد که دلالت کند بر مقصود از این حروف و اجماعی هم در بین نباشد تا تعیین کننده‌ی مفهوم این حروف باشد و عرف و لغت نیز چیزی از این حروف درک ننموده باشند، پس طبعاً باید گفت: این حروف از تشابهات هستند، مانند سایر تشابهات قرآن مجید و جز خداوند و علمای خاص، کسی بر تأویلات و معانی آن‌ها واقف نیست.

شاهد مدعی شیخ طبرسی، در مجمع البیان در تفسیر آیه‌ی اول سوره‌ی بقره فرمود: این حروف بنا بر آنچه از ائمه‌ی ما علیهم السلام نقل شده است، از تشابهاتند.

سیوطی می‌نویسد: از جمله تشابهات قرآن، همین حروف اول سوره‌ها هستند و مختار ما این است که این‌ها از اسرار خداوندی هستند و جز خداوند کسی به تأویل و مفهوم آن‌ها آگاه نیست.^{۱۵}

صبحی صالح از علمای معاصر نیز این حروف مقطعه را از تشابهات می‌داند و می‌نویسد: ورع اجازه نمی‌دهد که درباره‌ی این حروف رأی صریح اختیار نمایم، بلکه این‌ها از تشابهات قرآن کریم هستند که جز خداوند کسی به آن‌ها عالم نیست.^{۱۶}

مرحوم علامه طباطبایی، از تفسیر مجمع البیان یازده قول در معنای حروف مقطعه نقل کرده است، از جمله این که: حروف مقطعه‌ی قرآن از تشابهات قرآن هستند و خداوند علم به آن‌ها را به خود اختصاص داده است.

«تأویل تشابهات را جز خدا کسی نمی‌داند.»^{۱۷} توضیح این که خود علامه طباطبایی، حروف مقطعه را از تشابهات نمی‌داند.^{۱۸}

۶. حروف مقطعه، ساده و عادی

حکمت افتتاح بعضی از سوره‌ها به حروف مقطعه این است که قرآن از حروفی فراهم آمده که مردم آن‌ها را

حروف مقطعه رمزی هستند میان خدا و رسول او، که جز اولیای مقرب الهی کسی به آن‌ها راه ندارد. **لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ**؛ جز پاک شدگان به آن دسترسی ندارد



حروف مقطعه از متشابهات قرآن هستند که مرکز

قابل حل نبوده‌اند، از جمله مجهولات مطلق محسوب می‌شوند و راه علم

به آن‌ها کاملاً بر مردم بسته است

مقطعه را به عنوان «سِرُّ هَذَا الْقُرْآنِ» معرفی کرده است: *فِي كُلِّ كِتَابٍ سِرٌّ وَسِرُّهُ فِي الْقُرْآنِ سَائِرِ حُرُوفِ الْهَجَاءِ الْمَذْكُورَةِ فِي أَوَائِلِ السُّورِ*^{۲۱}. و نیز از طریق روایات اهل سنت نقل شده است که *عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمَ:*

لِكُلِّ كِتَابٍ صَفْوَةٌ، وَصَفْوَةُ هَذَا الْكِتَابِ حُرُوفُ التَّهْجِيِّ: هَرِّ كِتَابِي غَزِيْدَةٌ أَيْ شَاخِصٌ وَ مَرْمُوزٌ دَارِدٌ وَ شَاخِصٌ رَمْزِيٌّ قُرْآنٌ، هَمِيْنٌ حُرُوفٌ مَقْطَعَةٌ اسْت. نِيْزِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ كَفْتَهَ اسْت: اَنْ هَذِهِ الْحُرُوفُ عِلْمٌ مَسْتُوْرٌ وَ سِرٌّ مَحْجُوْبٌ اسْتَأْتَرَاللّٰهُ بِهٖ اِيْنَ حُرُوفٍ حَقِيْقَتِيْ نِهَانٌ وَ رَمْزِيٌّ پُوْشِيْدَةٌ اَنْدَ كِهْ خَدَاوَنْدَ اَنْ هَا رَا بَرْگَزِيْدَةٌ اسْت.^{۲۲}

۸. حروف مقطعه، عامل جلب توجه

کافران و مشرکان به همدیگر می‌گفتند به قرآن گوش ندهید. آن‌ها به هنگام قرائت قرآن سروصدا می‌کردند، کف می‌زدند و سوت می‌کشیدند. *وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ: كَفَارٍ كَفْتَنْدَ، بَهْ اِيْنَ قُرْآنِ گُوشِ فَرَا نَدِهِيْدَ وَ يَاوَهْ گُويِيْ كُنِيْدَ تَا شَائِدْ چِيْرَهْ وَ غَالِبْ شُوِيْد.*^{۲۳}

خداوند متعال این حروف را در اول بعضی از سوره‌ها نازل کرد تا مشرکان با سخنان غریب و نامأنوس مواجه شوند و در نتیجه به قرآن گوش فرا دهند و درباره‌ی این حروف بیندیشند.^{۲۴}

وجود حروف مقطعه در آغاز برخی از سوره‌ها چون امری بدیع و بی‌سابقه‌اند. بنابراین توجه حاضران را جلب می‌کنند و سکوت و آرامشی فراهم می‌آورند.

یکی از محققان اسلامی به نام خوئی یا خویی معتقد است: حروف مقطعه‌ی قرآن صرفاً برای تنبیه و به منظور جلب توجه پیغمبر «ص» در آغاز سوره‌ها به کار رفته است، چون ممکن بود در برخی اوقات، رسول خدا «ص» در عالم بشریت ذهنش مشغول و سرگرم مسائل عالم ناسوت باشد. به همین دلیل، برای تنبیه و آگاهی

می‌شناسند. اما این حروف در برخی موارد به صورت مقطع و جدای از هم، «مانند فواتح سور» و در برخی موارد به صورت کلمه، جمله، آیه و سوره با هم ترکیب یافته‌اند تا دلیل عجز و ناتوانی عرب و تازیان به آوردن و پرداختن مانند آن‌ها باشند.^{۱۹}

طبرسی نیز در این باره می‌نویسد: قرآنی که نمی‌توانید به معارضه و مبارزه با آن قیام کنید، از جنس همان حرفی است که در محاورات و سخنرانی‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنید. وقتی نمی‌توانید با قرآن تحدی کنید، پس به این حقیقت می‌رسید که قرآن از جانب خداست و تکرار این گونه حروف در اول بعضی سوره‌ها، به منظور تأکید و تأیید همین نکته است. چون عرب وقتی می‌خواهد مطلبی را درست به مخاطب بفهماند، آن را تکرار می‌کند.^{۲۰}

طبق این نظریه، بیان حروف مقطعه‌ی قرآن اشاره به این است که کتاب آسمانی قرآن با آن عظمت و اهمیتی که تمام سخنوران عرب و غیرعرب را متحیر ساخته و دانشمندان را از معارضه با آن عاجز کرده است، از همین حرفی شکل گرفته است که در اختیار همگان قرار دارد. در عین این که قرآن از حروف الفبا و کلمات معمولی ترکیب یافته است، به قدری کلمات آن موزون هستند و معانی بزرگی در بردارد که در اعماق دل و جان انسان نفوذ می‌کند، روح را مملو از اعجاب و تحسین می‌سازد و افکار و عقول را در برابر خود وادار به تعظیم می‌سازد. جمله‌بندی‌های مرتب و کلمات آن در بلندترین پایه قرار گرفته‌اند و معانی بلند را در قالب زیباترین الفاظ می‌ریزد که همانند و نظیر ندارند.

۷. حروف مقطعه، از اسرار و رازهای نهانی

چون برخی از محققان اسلامی به اذلیت و قدیم بودن این حروف معتقد بوده و هستند، بنابر احتیاط، از تفسیر و توضیح آن‌ها و در نتیجه از اظهار نظر صریح و قاطع درباره‌ی آن‌ها خودداری می‌کنند. چنان که شعبی حروف

دادن به پیغمبر «ص»، جبرائیل «ع» مأمور شد به هنگام نزول وحی، سوره‌هایی از قرآن را با حروفی از قبیل: «الم، الر وحم» بر پیغمبر بخواند تا آن حضرت به گفتار جبرائیل با تمرکز حواس گوش فرا دهد.^{۲۵}

در حالی که محمدرشیدرضا یکی از مفسران معاصر، این نظریه را که حروف مقطعه برای جلب نظر پیغمبر «ص» و تنبیه او باشد، بعید می‌شمرد و می‌گوید: رسول خدا «ص» همیشه حالت آگاهی داشته است به مجرد نزول وحی و نزدیک شدن جبرائیل «ع»، و جنبه‌ی روحانی و ملکوتی بر طبع پیامبر «ص» مستولی می‌شد.^{۲۶}

۹. حروف مقطعه، بیش‌ترین حروف واقع شده در سوره‌ها

شخصی به نام دکتر رشاد خلیفه، اهل مصر و مقیم در آمریکا، با استفاده از رایانه به این نتیجه رسید که حروف مقطعه‌ی قرآن در سوره‌های متعدد، این حقیقت را نشان می‌دهند که این حروف در هر سوره‌ای آمده‌اند، بیش از سایر حروف دیگر تهجی در آن به کار رفته‌اند. مثلاً در سوره‌ی بقره که با «الم» آغاز شده است، حرف «الف» بیش از «لام» و حرف «لام» بیش از «میم» و حرف «میم» بیش‌تر از سایر حروف تهجی به کار رفته است. به همین ترتیب، در سایر سوره‌های قرآنی، حروف مقطعه‌ی قرآن نمایانگر استعمال فزون‌تر آن حروف در آن سوره‌هاست. نام برده با تغذیه‌ی رایانه، تمامی حروف قرآن را در مدت دو سال مورد بررسی قرار داد و با گرفتن آمارهای متعدد، چنین نتیجه گرفت که حروف واقع در اوایل سوره‌ها، بیش‌ترین حروف واقع شده در آن سوره‌ها هستند. مثلاً حرف «ق» در سوره‌ی «ق» و همچنین حرف «ص» در سوره‌ی «ص» بالاترین آمار را دارند.^{۲۷}

۱۰. حروف مقطعه مأخوذ از اسما و نام‌ها

عجیب‌ترین و سخیف‌ترین نظر درباره‌ی حروف مقطعه، نظر نولدکه^{۲۸} مستشرق آلمانی است که ابتدا آن را اظهار کرد و سپس متوجه اشتباه خود شد، و آن این‌که: حروف مقطعه‌ی قرآن مطالبی بیگانه از نص قرآن هستند و مردم آن‌ها را به قرآن اضافه کرده‌اند. وی می‌نویسد، حروف نخستین قرآن مأخوذ از اسما و

نام‌های برخی از صحابه هستند که نسخه‌هایی از سوره‌های معینی از قرآن نزد آن‌ها بوده‌اند. مثلاً: «سین» از سعدبن ابی وقاص، «نون» از عثمان بن عفان، «هاء» از ابی هریره. و بدین‌سان، حروف دیگر، از دیگر صحابه مأخوذ هستند.^{۲۹}

زیر نویس

۱. سوره‌ی مؤمن نخستین سوره از «حوامیم» است. حوامیم هفت سوره از قرآن هستند که با «حم» شروع می‌شوند و پشت سر هم قرار گرفته و همگی از سوره‌های مکی هستند.
۲. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۶ و ۵.
۳. «ابن»، کتاب مبارک است که آن را بر تو نازل کردیم تا درباری آیات آن بیندیشید و خردمندان پندگیرند. سوره‌ی ص، ص ۲۹.
۴. سوره‌ی واقعه، ص ۷۸.
۵. علوم قرآنی، ص ۳۳۵.
۶. تفسیر برهان، ج ۲ و مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳. توضیح این‌که به نظر سیوطی این‌گونه محاسبه، در شریعت اصل و اساسی ندارد. الاتقان، ج ۱، ص ۱۶.
۷. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.
۸. الاتقان، ج ۲، ص ۱۶.
۹. جامع البیان، ج ۴، ص ۱۷۷ و مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲.
۱۰. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲.
۱۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۳.
۱۲. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۱۲۳.
۱۳. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.
۱۴. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.
۱۵. الاتقان، ج ۲.
۱۶. مباحث فی علوم القرآن.
۱۷. سوره‌ی آل عمران، ص ۷.
۱۸. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۶ و ۷.
۱۹. الکشاف، ج ۱، ص ۱۶ و الاتقان، ج ۳، ص ۱۷.
۲۰. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳.
۲۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲. و تاریخ قرآن کریم، ص ۱۲۰.
۲۲. پژوهشی در تاریخ قرآن، به نقل از مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲.
۲۳. سوره‌ی فصلت، ص ۲۶.
۲۴. پژوهشی در تاریخ قرآن، به نقل از مجمع البیان، ص ۱۲۸.
۲۵. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۳۱، به نقل از الاتقان، ج ۲، ص ۱۷.
۲۶. همان‌ست، به نقل از تفسیر المنار، ج ۸.
۲۷. علوم قرآنی به نقل از هفته‌نامه‌ی اخبار العالم، صادره مکه ۲۴ 28. Noldeke
۲۹. پژوهشی در قرآن کریم، ص ۱۲۷، به نقل از مباحث فی علوم القرآن.

منابع

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تألیف دکتر سید محمد باقر حجتی.
۲. علوم قرآنی، تألیف محمد هادی معرفت.
۳. تفسیر المیزان، تألیف سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی.
۴. تفسیر نمونه، تألیف زیر نظر حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با همکاری جمعی از نویسندگان.
۵. تاریخ و علوم قرآن، تألیف سید ابوالفضل میرمحمدی زردی.

